



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۱۳۰-۱۰۳

شاپا چاپی: ۸۹۰۱-۳۹۸
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱تحلیل نقش و جایگاه بانوان در ایجاد و استمرار تمدن اسلامی
بر اساس حقوق شرعی آنانخالد حمه‌نوری درویش‌علی^۱ | هانه فرکیش^۲ | ارکان شریفی^۳

چکیده

یکی از حوزه‌های مورد نقد به تمدن اسلامی در حوزه حقوق زنان است. حقوق زنان در تمدن اسلامی پیش و بیش از هر تمدن دیگری به رسمیت شناخته شده و این شیوه احقاق حق الگویی برای بسیاری از منشورهای حقوق بشری کنونی شده است. بنابراین فرآیند جامعه‌سازی در جهان اسلام بر پایه تسهیم کردن زنان در مسایل مختلف، پیشینه‌ای طولانی دارد و بر همین اساس هدف این پژوهش تحلیل نقش و جایگاه بانوان در ایجاد و استمرار تمدن اسلامی بر اساس حقوق شرعی آنان است. روش بررسی این پژوهش کیفی و اسنادی است که در آن محقق اسناد پژوهشی معتبر مانند آیات و روایات به عنوان مبنای تمدن‌سازی در اسلام را مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهد و بر اساس بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث و همچنین تفسیرهای مرتبط با این آیات و روایات نتایج و تفاسیر ارایه شده است. یافته‌های این بررسی نشان داده است که تمدن اسلامی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین رویکردهای قابل اعتماد، همواره نگاه مثبتی به حق زنان در عرصه‌های مختلف داشته است. بررسی اسنادی حقوق زنان در شریعت اسلام نشان می‌دهد که تمدن اسلامی منشأ حقوق زنان بوده و بر اساس رویکردهای حاکم بر این تمدن که مبنایی قرآنی و شرعی دارد، اسلام به زنان حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی می‌دهد و متقابلاً این حقوق باعث جامعه‌سازی تمدنی در اسلام شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، حقوق زنان، آیات و روایات، جامعه‌سازی، زنان.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، کردستان، ایران

farkishane@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، کردستان، ایران

استاد: حمه‌نوری درویش‌علی، خالد؛ فرکیش، هانه؛ شریفی، ارکان. تحلیل نقش و جایگاه بانوان در ایجاد و استمرار تمدن اسلامی بر اساس حقوق شرعی آنان، (۳)۱۱، ۱۳۰-۱۰۳.

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

ساختن جامعه از عالی‌ترین اهداف اندیشمندان و بزرگان جوامع از گذشته‌های دور تا کنون بوده است. بسیاری از انبیاء نیز برای جامعه‌سازی از طرف خداوند مبعوث شده‌اند. جامعه‌سازی بدون نصفی از افراد جامعه یعنی زنان ساخته نمی‌شود، به همین دلیل همه منظومه‌های فکری تلاش مضاعفی برای مشارکت دادن زنان در امور جامعه‌سازی داشته‌اند. یکی از ابعاد مهم فرآیند جامعه‌سازی، مشارکت در عرصه‌های مختلف است و مشارکت بدون احقاق حقوق زنان محقق نمی‌شود. تمدن اسلامی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که همواره در تاریخ اسلام مورد توجه بوده است و مسلمانان از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین خدمات اسلام به جامعه بشری یاد نموده‌اند. پیامبر اکرم (ص) به عنوان پایه‌گذار این تمدن، اقدامات فراوانی جهت فراهم‌سازی بستری مناسب برای پی‌ریزی آن انجام داده‌اند. زنان مسلمان نیز در اعصار مختلف با تأسی از رسول خدا(ص)، نقش چشمگیری در تمدن‌سازی داشته‌اند (محمودی‌نسب و نیکوخصال، ۱۴۰۱: ۱۶۷). در تمدن اسلامی حقوق زنان به مانند مردان، حقوق حیوانات به مانند انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و همه مخلوقات با توجه به ویژگی‌های طبیعی‌شان مورد تکریم و احترام قرار گرفته‌اند (یوسف^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱). در اصطلاح، حقوق زنان به حقوقی اطلاق می‌شود که به وسیله آن‌ها افراد قادرند در فرآیندهای مختلف جامعه شرکت کنند و در ارتباط با حاکمیت و ارزیابی عملکرد قدرت سیاسی مشارکت کنند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۴: ۱۷). در تمدن اسلامی، به ویژه از نظر مهربانی و احترام، در مقایسه با مردان بیشترین اولویت را برای زنان قائل است و تاریخ همچنین ثابت کرده که هیچ دین یا نظامی به اندازه اسلام توجه ویژه به زنان در فرآیند جامعه‌سازی نداشته است (یوسف و همکاران، ۲۰۱۴: ۱).

با ورود اسلام زنان جایگاه ویژه‌ای برای حضور در روند جامعه‌سازی تمدنی یافتند؛ بر اساس تعاریف جامعه‌سازی تمدنی روندی پیچیده است که در گذر زمان و بر مبنای اصول و قواعد مشخصی بنا نهاده می‌شود که یکی از مهم‌ترین ویژگی آن؛ مرحله‌ای بودن آن است. مراحل و ساختار جامعه‌ای که در عصر نزول قرآن کریم بنا نهاده شد و زمینه‌های شکل‌گیری آن، بیان‌گر ظرفیت دین مبین اسلام در شکل‌گیری جامعه ایده‌آل با تمام خصوصیات منحصر به فرد آن است

1. Yousuf

(شکریگی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۷). بر همین اساس در همان مراحل ابتدایی جامعه‌سازی تمدنی زنان مشارکت فعالی داشتند و در دوران شکوفایی تمدن اسلامی این مشارکت به اوج خود رسیده است. این در حالی است که در بسیاری از رویکردهای موجود خارج و حتی داخل اسلام، نقش زنان در تمدن‌سازی یا انکار یا نادیده گرفته می‌شود. حتی عموم مفسران دینی بین استفاده ضعیف از اصطلاح اسلامی که طرفداران آن در حوزه اجتماعی و فرهنگی انجام می‌دهند و آموزه‌های واقعی اسلام هیچ تمایزی قائل نمی‌شوند. بر همین اساس آموزش و تحصیل زنان یکی از نمونه‌های است که قربانی مشکلات تفسیر نادرست قرآن و پیوند دادن برخی اعمال فرهنگی با تعلیم اسلام شده است (ابوکاری^۱، ۲۰۱۴: ۶). متون اصلی قرآن به طور واضحی بر برابری حقوق زنان و مردان تأکید دارد. اما اسلام فقط قرآن نیست و در این دین احادیث و روایاتی مبنای عمل قرار می‌گیرند. اغلب اوقات تفسیر نادرست از آیات قرآن و احادیث باعث به وجود آمدن شبهات زیادی در این حوزه شده است. اگرچه قرآن از میان منابع متعدد اصول و شریعت اسلامی برای استفاده و تبیین مسایل مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در اسلام فرض نمی‌شود که سایر منابع کم اهمیت یا نامشروع باشند. بنابراین وجود برخی احادیث و روایات غیر معتبر نیز بیشتر به اختلاف نظرها دامن می‌زند. اما واقعیت امر و شواهد موجود، نقش زنان مسلمان را در تمدن‌سازی و جامعه‌سازی از صدر اسلام تا کنون پررنگ نشان می‌دهد. زنان مسلمان از طریق احقاق حقوقی که دین اسلام به آن‌ها داده است، مشارکت خود را در حوزه‌های مختلفی گسترش دادند که نتیجه توسعه این مشارکت‌ها جامعه‌سازی بر پایه تمدن اسلامی بوده است.

در کنار سایر مزایای اسلام برای جوامع، دین اسلام، حقوق مشخصی را برای زنان به ارمغان آورده است. با این حال، تعداد زیادی از زنان نسبت به حقوق خود که قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) به آن‌ها داده است، بی‌اطلاع هستند (عزیز و اقبال^۲، ۲۰۲۰: ۴۷). تمدن اسلامی، با مرجعیت به مبانی دینی و شرعی اسلام، معتقد است که حقوق زنان از منابع الهی وحی مشتق می‌شود و به تمام ویژگی‌های زنان توجه دارد. این تمدن، با در نظر گرفتن تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد، به ایجاد تعادل در حقوق و تکالیف آنان می‌پردازد. آیات قرآنی و شریعت مقدس، جنسیت انسان را به عنوان جنبه ثانوی و تبعی معرفی می‌کنند و هیچ تفاوت حقوقی و حکمی بر پایه جنسیت انسان

1 Abukari

2 Aziz & Iqbal

دلالت نمی‌کند. بلکه، تعادل حقوقی بر اساس سرشت، فطرت و تفاوت‌های فردی بین زن و مرد را برقرار می‌سازد. از این رو، تمدن اسلام به زنان منزلت و کرامت والایی اعطا می‌کند و به تأکید بر تعادل در حقوق و تکالیف زنان و مردان در جامعه تأکید دارد. بر همین اساس تمدن اسلامی وزنه متعادلی برای ایجاد برابری در جامعه قلمداد می‌شود؛ این در حالی است که هنجارهای مردسالارانه در سراسر جهان بیش از دین و مذهب مانع اصلی برابری جنسیتی بوده‌اند (بیشین و چریف، ۲۰۱۷: ۵۰۱). بر همین اساس هویت زنان مسلمان در روایت‌های تقلیل‌گرایانه تنها با مؤلفه‌های مردانه و مردسالارانه سنجیده می‌شود و دیگر عوامل ارزیابی نظیر موقعیت‌های اجتماعی و شغلی، جایگاه علمی و کنشگری‌های آن‌ها نوعاً نادیده گرفته می‌شود. آنچه در جوامع اسلامی از گذشته تاکنون در زیست اجتماعی افراد وجود دارد، تنها برخاسته از تعالیم اسلام نیست؛ بلکه آداب و رسوم جوامع اسلامی نیز در این میان بی‌تأثیر نیست (نصر، ۱۳۸۴: ۳۹۲)، با این وجود زن مسلمان همواره ضعیف و قربانی مردسالاری مذهبی معرفی می‌شود (بابایی و خاتمی‌نیا، ۱۴۰۲: ۲۱). در سوره‌های مختلف قرآن، از جمله سوره احزاب آیه ۳۵، سوره نساء آیه ۱، سوره حجرات آیه ۱۳، سوره اعراف آیه ۱۸۹، سوره آل عمران آیه ۱۹۵، سوره نساء آیه ۱۲۴، سوره نحل آیه ۹۷، سوره نساء آیه ۳۲ و ۳۳، خداوند زن و مرد را به عنوان انسان با حقوق خاص خود بهره‌مند ساخته است. بنابراین آن‌ها هر دو در فرایند جامعه‌سازی سهم برابر خواهند داشت. این آیات نورانی و آیات دیگر نشان می‌دهند که خداوند، توازن و تعادل حقوقی بین زن و مرد را بر اساس سرشت و فطرت انسان و تفاوت‌های فردی آن‌ها ایجاد کرده است. این تفاوت‌ها، همچنان که آمده است، بر اساس هویت انسانی و نقشی که برای رسیدن به هدف در نظام سازنده جامعه اسلامی دارند، و هیچگاه تفاوت حقوقی و حکمی بر پایه جنسیت انسان را نشان نمی‌دهند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

امروزه در تمدن اسلامی اسلام به‌عنوان یک دین، همچنان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جوامع مسلمان است. بر همین اساس تمدن اسلامی موضوع بسیاری پژوهش‌ها بوده و تولیدات علمی درباره تمدن اسلامی، وضعیت مطلوبی دارد و اندیشمندان بسیاری در این زمینه، دست به قلم شده و با زوایای گوناگون به بررسی ابعاد وجودی تمدن اسلامی پرداخته‌اند (مشایخی‌پور، ۱۴۰۱: ۲۰۷). یکی از مباحث چالش‌برانگیز مرتبط با تمدن اسلامی بحث نابرابری جنسیتی است. اما تعمیق

بیشتر در تمدن اسلامی نشان می‌دهد که این تمدن در مورد برابری جنسیتی یکی از پیشگامان اصلی این حق برای زنان بوده است و زنان زیادی در ساخت جامعه و تمدن اسلامی از گذشته تا کنون نقش داشته‌اند. مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در این باره می‌فرمایند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان (زن و مرد) در آن فضا از لحاظ مادی و معنوی رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد، زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد» (بیانات امام خامنه‌ای در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۴). بر پایه این تعریف تمدن اسلامی کلیتی هم برای زنان و هم برای مردان است و از این حیث زنان در تمدن اسلامی و جامعه‌سازی جایگاه بالایی دارند.

در حال حاضر، تمدن اسلامی از طیفی از آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رنج می‌برد، که همگی مسلمانان، اعم از زن و مرد را از کمک‌های چشمگیر به پیشرفت‌های علمی و فکری دیگر باز داشته است. یکی از عمده‌ترین چالش‌های تمدن اسلامی مسایل مربوط به برابری جنسیتی زنان است و مساله زنان در تمدن اسلامی یکی از مصادیق اسلام هراسی بوده که توجه به ارزش‌های اسلامی در مقتضیات زمان می‌تواند این نگاه را تغییر دهد (آخمتوا^۱، ۲۰۱۶: ۳). بسیاری از تفکرات غربی، مفاهیم اسلامی در مورد جایگاه و نقش زنان را تحریف و نادرست گزارش می‌کنند. بسیاری از رسانه‌ها تلاش می‌کنند ثابت کنند که زن در اسلام مورد ظلم و ستم است. این در حالی است که زنان در اسلام از جایگاهی ارجمند برخوردار بوده و می‌توانند بدون عبور از حدود شریعت، نقش اقتصادی، سیاسی، علمی و اجتماعی ایفا کنند (کامران^۲ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۶۹۶). در برخی رویکردهای موجود در تمدن اسلامی؛ حقوق زنان در قرآن، دیدگاه‌های فقها در مورد حقوق زنان، صلاحیت زنان برای جامعه‌سازی تمدنی اثبات کرده‌اند و اثبات این صلاحیت به منزله برابری زنان در جامعه بوده است. همچنین تمدن اسلامی در مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی، شخصیت حقوقی زنان را پیش‌بینی کرده و به دلیل نقش چشم‌گیری که زنان در تاریخ و تحولات جامعه ایفا نموده‌اند، زنان را بخشی از فرآیند جامعه‌سازی در کشورها معرفی می‌کنند.

1 Akhmetova

2 Kamran

امروزه مشارکت معنادار زنان در نقش‌های رهبری ملی، محلی و جامعه به کانون مهمی در سیاست‌های توسعه جهانی تبدیل شده و خداوند شایسته‌ترین مقام را به زنان داده و زنان در مناصب رهبری بارها در قرآن ذکر شده است. در آیه ۶۱ سوره آل‌عمران این پیام‌ها را القا می‌کند که همانا فرزند دختر، همچون فرزند پسر، فرزند خود انسان است و همچنین زن و مرد در صحنه‌های مختلف دینی، در کنار همدیگر مطرح هستند (عزیز و اقبال، ۲۰۲۰: ۴۷). این بیانات پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که زنان نیز باید به طور فعال در امور سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی مشارکت کنند و مسئولیت خود را در تحقق آرمان‌های تمدن اسلامی و جامعه‌سازی به عهده بگیرند. بنابراین، اسلام توجه ویژه‌ای به حقوق زنان داشته و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، علمی و اجتماعی را تشویق می‌کند. این تأکید بر مشارکت زنان در امور مختلف و تحقق آرمان‌های جامعه‌سازی اسلامی، نشان از ارزش و اهمیت زنان در جامعه اسلامی دارد و نقش آنان در تاریخ و تحولات جامعه را تأیید می‌کند. از نوآوری این پژوهش می‌توان به این مساله اشاره کرد که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نتوانسته‌اند نقش‌های چندگانه زنان صدر اسلام را در تمدن‌سازی با استنادات معتبر به جامعه علمی معرفی کنند و این پژوهش توانسته است بر پایه شواهد و دلایل علمی موجود این نقش را به خوبی ایفا کند. از طرف دیگر بسیاری از نحل‌های فکری فمینیستی و برخی فعالان حقوق بشری خود را پیشگام مسایل حقوق بشری زنان می‌دانند و تلاش‌های تمدن اسلامی در حوزه برابری جنسیتی زنان و جامعه‌سازی، آنها را نادیده می‌گیرند. هر چند بسیاری از منشورهای حقوق بشری امروزی بر برابری حقوق زنان و مردان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تأکید دارند (جلالی، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، اما در تمدن اسلامی توجه به حقوق زنان در امورات اجتماعی، اقتصادی، علمی و سیاسی سابقه طولانی‌تر دارد. در این پژوهش هم این سوال مطرح می‌شود که آیا حقوق زنان که در اسلام به آنها عطا شده توانسته است نقش آنها را در جامعه‌سازی تمدنی در جهان اسلام برجسته کند یا خیر؟ در راستای پاسخ به این سوال مهم نقش حقوق زنان در جامعه‌سازی تمدنی بررسی و تحلیل شده است.

مرور پیشینه تحقیق

حقوق زنان در اسلام و جایگاه زنان در جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی چه به صورت جدا و چه به صورت ترکیبی موضوع بسیاری از پژوهش‌های علمی در داخل و خارج بوده است. در همین ارتباط پیشینه پژوهش در دو بخش داخلی و خارجی انجام شده است. محمودی‌نسب و نیکوخصال (۱۴۰۱) در پژوهشی نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری بیان کرده و سهم زنان در تمدن نوین اسلامی برجسته عنوان می‌کنند. در همین ارتباط بابایی و خاتمی‌نیا (۱۴۰۲) در بررسی آثار زنان مسلمان نقش تحول‌ساز آن‌ها در تمدن اسلامی را بررسی کرده‌اند. احمدی‌بیغش (۱۴۰۰) نیز نقش فعالیت‌های بانوان شیعه قرن چهارم هجری را در تثبیت و تعمیق علوم و فرهنگ تمدن اسلامی بسیار مهم و حیاتی ارزیابی کرده است. در نهایت یاسری و اخوان‌نیلچی (۱۳۹۷) در یک تحلیل عمیق تبیین برای نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی الگویی اساسی تدوین کرده‌اند. در پژوهش‌های خارجی نیز کامران و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی نقش اجتماعی-اقتصادی زنان در دیدگاه اسلام پرداخته و نشان داده‌اند که اسلام مانعی برای نقش‌های اجتماعی-اقتصادی زنان نبوده است. لون (۲۰۲۳) در پژوهش نشان داده است که حقوق زنان در جوامع مختلف در جایگاه بسیار نازلی بوده که با ظهور اسلام زنان حقوق گسترده‌ای در زندگی، حق مالکیت، حق تحصیل و حق مشارکت به دست آوردند. احمد و احمد (۲۰۲۲). نقش زن مسلمان را در توسعه جامعه بر اساس بنیادهای اسلامی بررسی کرده‌اند و احمدشینا (۲۰۲۳) در پژوهشی مرتبط نقش زنان مسلمان در توسعه علم، فرهنگ و آموزش در دوران اولیه اسلام از لحاظ علم و فناوری بررسی و تحلیل کرده است. در نهایت اخمتوا (۲۰۱۶) زنان در تمدن اسلامی را از لحاظ حقوق و سهم آن‌ها را در تجدید تمدن اسلامی تحلیل کرده‌اند.

مبانی نظری

نقش زنان در تمدن اسلامی و جامعه‌سازی دینی بسیار پررنگ و برجسته است. نقش زنان در شکل‌گیری و تکمیل هر جامعه بسیار مهم است. از نظر اسلام، به عنوان یک انسان، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد، در حالی که دامنه هر دو از نظر توانایی جسمانی متفاوت است. در اسلام، مرد یا زن بودن، رسیدن به مقام عالی نیست، بلکه معیار برتری، تقوا و ایفای نقش مثبت در جامعه است.

تاریخ اسلام زنان مملو از نمونه‌هایی از نقش والا و سازنده زن است. به دلیل ناآگاهی از روح واقعی آموزه‌های اسلامی، ادعاهای بی اساس مبنی بر تحقیر زنان و ممنوعیت ایفای نقش اجتماعی-اقتصادی اسلام مطرح می‌شود (کامران^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۶۹۶). در همین ارتباط رویکردهای غربیان به زنان مسلمان اغلب در قالب زنان قربانی تفکر دینی نمود پیدا کرده است. بر همین اساس پرداختن به روایت‌های قربانی از زنان مسلمان، به ضعف و خودباختگی زن مسلمان ایرانی منجر می‌شود. این در حالی است که اگر در میانه این روایت‌ها از زنان، همه زنان در ساحت‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی روایت شوند و همه تنوعات مختلف در میان بانوان مسلمان منظور گردد، آنگاه دیگر مقهور تک صدایی در روایت زن مسلمان به مثابه زن قربانی و به عنوان تنها تصویر زن مسلمان مواجه نمی‌شدیم. در میان زنان مسلمان معاصر نمونه‌های شاخصی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و نیز در ساحت‌های علمی وجود دارد که هر یک از آن‌ها می‌توانند در عرصه‌های تمدنی کنشگری کنند و افق‌های جدیدی را در فرآیند جامعه‌سازی تمدنی مسلمانان بگشایند و به طور کلی نظریه عقب‌ماندگی زن شرقی و نیز زن مسلمان را بی‌اعتبار سازد و نظریه‌های جدیدی را در نقش زنان مسلمان در پیشرفت دنیای اسلام ارائه نماید (بابایی و خاتمی‌نیا، ۱۴۰۲: ۲۶).

در دوره‌های باستان و قبل از دین اسلام زنان همیشه در انقیاد قرار داشته و از نظر حقوق و امتیازات، از مردان در سطح پایین‌تری بوده‌اند و در بیشتر جوامع رفتار با زنان در سطح مطلوبی نبوده است. با ورود دین اسلام، زنان از آزار و اذیت‌های وحشیانه‌هایی یافته و موقعیت‌های بهتری با حقوق بهتری برای زنان به وجود آمد. اسلام به زنان حق تحصیل و علم‌آموزی، حقوق سیاسی، حق مالکیت و تجارت، حق ازدواج و فرزند پروری و برخی حقوق دیگر داد. به دست آوردن این حقوق در آن دوران تحول شگرفی برای زنان قلمداد می‌شد و اسلام بارها درباره رفتار ناشایست با زنان هشدار داده است (لون^۲، ۲۰۲۳: ۱۵۵۳). در اسلام بارها به اهمیت زنان در جامعه اشاره شده و آن‌ها را لازمه تحول خانواده و جامعه عنوان کرده‌اند. امروزه وضعیت زنان در جهان نه موضوع جدیدی است و نه کاملاً حل شده است. با توجه به مشکلاتی جامعه زنان با آن درگیر است، اسلام به عنوان یک پیشگام حقوق زنان را مورد توجه قرار داده است. در زمانی که زنان

1 Kamran

2 Lone

بخشی از دارایی مردان به حساب می‌آمد، پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بهترین شما، کسی است که نسبت به همسرانش نیکو رفتارتر باشد، من بهترین شما نسبت به زنان خویش هستم» (شیخ‌صدوق، ۱۴۱۳: ۴۴۳). این حدیث بیانگر جایگاهی است که پیامبر اسلام (ص) در جامعه‌ای که فرودستی زنان مرسوم بود، به زنان داده است. جایگاه زنان در گذشته نه فقط در شبه جزیره عربستان، بلکه در بیشتر جوامع باستانی بسیار غیرانسانی بود. اگر مردی در جامعه بابلی مرتکب قتل می‌شد، همسرش به جای او اعدام می‌شد. در تمدن یونان باستان نیز زنان به عنوان مظهر شر و غم دیده می‌شدند و در تمدن مصر، زن به عنوان نشانه‌ای از شیطان تلقی می‌شد. همچنین در مناطق مختلف اروپای شرقی و هند، اگر شوهری می‌مرد، بیوه او یا کشته می‌شد یا زنده زنده با جسد شوهرش می‌سوخت (هکر^۱، ۲۰۲۳: ۷). نمونه‌های زیادی از تحقیر زنان در جوامع وجود داشته و جوامع غربی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مردان با تولد نوزاد دختر صورت خود را سیاه می‌کردند و تولد دختر نوعی نفرین برای آنها بود. بنابراین در دوران قبل از ورود اسلام نیز به ندرت پیش می‌آمد که مردان نسبت به احساسات و اهداف فردی زنان توجه نشان دهند و او از حقوق اولیه انسانی مانند حق حیات، حق مالکیت، حق تحصیل، حق مشارکت و سایر حقوق انسانی محروم کرده بوند و کسی از آنها حمایت نمی‌کرد؛ تا اینکه ظهور دین اسلام زن را نجات و جایگاهش را ارتقا داد (لون^۲، ۲۰۲۳: ۱۵۵۳). بنابراین با ظهور اسلام، شخصیت زن و جایگاه او ارتقا و تغییرات بنیادین پیدا کرد، که در مقایسه میان شرایط قبل و بعد از اسلام و نیز مطالعه جایگاه ایشان در ملل و ادیان دیگر، قابل درک است. آیات متعددی در قرآن کریم، بر جایگاه با عظمت زن را در نظام خلقت از منظر دین اسلام تأکید دارند (احمدی بیغش، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

به طور کلی، نقش‌های زن در اسلام موارد بسیاری را در بر می‌گیرد و از امور داخلی خانه گرفته تا نقش‌های گسترده در جامعه را شامل می‌شود. حقوقی که اسلام به زنان داده حق شغل و کار را برای آنها ایجاد کرده است و زنان با رعایت شرایطی چون نجابت می‌توانند در مشاغل مختلفی ایفای نقش کنند. البته رعایت شرایط در اسلام برای مردان نیز وجود دارد و به طور کلی

1 Hecker

2 Lone

اسلام به عنوان دینی که انسان‌ها را از ذلت محافظت می‌کند، تشریفات انجام فعالیت‌ها را در تمام جنبه‌های زندگی تنظیم می‌کند (ذکریاتی و مرحمه^۱، ۲۰۲۲: ۱۹۵).

در تمامی مباحثی که در رابطه با تمدن اسلامی مطرح شده است، جایگاه و موقعیت زن به عنوان معیاری برای سنجش این تمدن در نظر گرفته شده است. از آنجا که تاریخ و آینده در دستان مادران و زنان یک جامعه است، بررسی نقش زن در سه بعد خانوادگی، اجتماعی و فردی به شناخت این جایگاه کمک می‌کند. زن مسلمان به عنوان حیاتی‌ترین عنصر تشکیل دهنده یک خانواده اساسی‌ترین رکن یک جامعه و مهم‌ترین عنصر تغییر و ساخت سبک زندگی و تشکیل تمدن اسلامی است (محمودی‌نسب و نیکوخصال، ۱۴۰۱: ۱۹۰). چرا که در تمدن اسلامی زنان نقش کمک‌کننده‌ای به توسعه علم و دانش داشته‌اند و سهم زنان در نقش‌های اجتماعی برجسته بوده است. در تمدن اسلامی یک حکمرانی خوب منوط به برقراری برابری جنسیتی و احقاق حقوق زنان است. در تمدن اسلامی اگر حقوق زنان برای تحصیل مناسب و شغل همچنان نادیده گرفته شود، تعادل تمدن اسلامی آسیب می‌بیند و مانع توانایی این تمدن در فرآیند جامعه‌سازی می‌شود (آخمتووا^۲، ۲۰۱۶: ۲). تمدن اسلامی در بسیاری موارد دستاویزی برای حکومت‌های اسلامی بوده و بسیاری از محدودیت‌های اعمال شده توسط حکام اسلامی به نام تمدن اسلامی تمام شده است. بنابراین بسیاری از انگیزه‌های سیاسی در حکومت اسلامی باعث شکل‌گیری طرح‌های انتقادی از حقوق بشر اسلامی بوده است. این در حالی است که ماهیت تمدنی اسلام مبنایی برای بسیاری از قواعد حقوق بشری امروزی بوده است (می‌پر^۳، ۲۰۱۸: ۱۶). همچنین حقوقی که در قرن هفتم در قرآن داده شد، اگرچه در آن زمان انقلابی بود، اما نیاز به رویکرد تدریجی برای دستیابی به پیام کامل قرآن را ایجاد کرده است (اوراکزایی، ۲۰۱۴: ۵).

در طول تاریخ اسلام، برخی از زنان برجسته سهم قابل توجهی در پیشرفت و اعتلای جامعه و تمدن اسلامی داشته‌اند و نگرانی آن‌ها برای جامعه‌سازی و تمدن اسلامی در بسیاری از پژوهش‌های اسلامی منعکس شده است. بسیاری از مطالعات تأثیرگذار، سهم زنان را در بسیاری از زمینه‌های تمدن اسلامی، از جمله رواج احادیث حضرت محمد (ص)، آموزش، ادبیات، فلسفه، شعر،

1 Zikriati & Marhamah

2 Akhmetova

3 Mayer

ریاضیات و پزشکی بررسی کردند. همچنین، زنان مسلمان در رسانه‌های هنرهای تجسمی، منسوجات و قالی‌بافی نقش‌های متنوعی داشتند. در زمینه معماری، بسیاری از زنان برجسته از ساختن بناهای قابل توجه بسیاری حمایت و آغاز کردند که چهره شهرهای مسلمان را تغییر دادند. در طول چند دهه گذشته، مورخان هنر و معماری متوجه نقش حیاتی زنان در توسعه معماری و منظر شهری جهان اسلام شدند و زنان نقش بسزایی در تاریخ اسلام به طور عام و در تاریخ معماری اسلامی به طور خاص داشتند و در آنجا بناهایی بلندپروازانه و تأثیرگذار ساختند. آنچه کمک زنان به جامعه‌سازی تمدنی را چشمگیر می‌کرد، مقیاس عظیم برخی از بناها بود. این بناها که به نام زنان نامگذاری و به یادگار مانده بودند، قدرت، هویت و همچنین وجهه خود را در شهرها تثبیت کردند. با این وجود، شواهدی قوی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان به عنوان حامیان هنر و معماری جایگاه مهمی داشتند و تاریخ باید آن‌ها را آن گونه که شایسته آن هستند به رسمیت بشناسد (الشرباقی^۱، ۲۰۲۰: ۲). علاوه بر این زنان به طور سنتی به عنوان مباشران اصلی سنت‌های دینی تلقی می‌شدند و در انتقال ارزش‌ها و باورهای دینی به نسل‌های بعدی ضروری بودند. در نتیجه، چارچوب عمومی اجتماعی ممکن است به طور قابل توجهی تحت تأثیر ترجیحات مذهبی زنان قرار گیرد (احمد و احمد^۲، ۲۰۲۲: ۲۵). شریعت، سنت‌ها و فرهنگ و تمدن اسلامی جامعه تا حدودی مرزهای حضور و فعالیت زنان را مشخص کرده است. به طور کلی، قدرت آن‌ها به موقعیت اجتماعی و جایگاه آن‌ها در جوامعشان مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد که هویت و مسئولیت‌های قدرتمند زنان به طور قابل توجهی تحت تأثیر وضعیت خانواده و محیطی است که در آن پرورش یافته‌اند. سابقه آن‌ها به عنوان اعضای خانواده‌های مسلمان به آن‌ها کمک کرد تا فعالانه در بسیاری از زمینه‌های زندگی از جمله اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت کنند و محرک مهمی برای جامعه‌سازی باشند. در پژوهش‌های اخیر، نقش بی‌بدیل زن در تمدن اسلامی آشکار شده و نقش زنان مسلمان را در طول تاریخ اسلام به عنوان دانشمند در بسیاری از زمینه‌های علمی موفق بوده و تلاش‌های بی‌پایان آن‌ها نقش مهمی در ترویج تمدن در جهان اسلام داشته است (الشرباقی، ۲۰۲۰: ۲). تمدن اسلامی تا قرن چهاردهم میلادی از لحاظ علمی به پیشرفت‌های گسترده‌ای دست یافته بود و در دوران پیشرفت‌ش زنان از جایگاه بالایی نسبت به زنان سایر مناطق

1 El-Shorbagy

2 Ahmed & Ahmed

جهان برخوردار بودند. زنان در این تمدن نقش فعالی در جامعه سازی داشتند و در این دوران وجود فرصت‌های مشارکتی برای زنان در زندگی عمومی و اجتماعی به عنوان شاخصی از پیشرفت تمدنی عمل می‌کرد. در این دوران اسلام به زنان قدرت داده و در توسعه تمدن اسلامی مشارکت فعالی داشته‌اند. زنان در این دوران تألیف‌های زیادی در اسلام داشته‌اند و نقش آن‌ها در تحولات علمی و فکری در دوران ظهور تمدن اسلامی چشم‌گیر بوده است (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۶). به طور کلی خدمات زنان به جامعه‌سازی تمدنی در اسلام در حوزه مختلفی بروز کرده که در نتیجه احقاق حقوق زنان در عرصه‌های مختلف بوده است.

روش تحقیق

روش بررسی این پژوهش کیفی و اسنادی است که در آن قرآن، روایات و اسناد پژوهشی معتبر را مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهند. تحلیل اسناد در پژوهش‌های کیفی شامل نقل قول‌های گزیده مفید، نقل قول‌ها و آیات و روایات معتبری است که مبنای تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. بنابراین داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، روایات و احادیث و همچنین تفسیرهای مرتبط با این آیات و روایات است که بر اساس آن‌ها نتایج و تفاسیر ارائه شده است.

یافته‌ها

حقوق زنان در اسلام

اسلام، به عنوان یک سیستم سیاسی و مذهبی، مردم را گرامی می‌دارد و تمامی اشکال تبعیض نژادی، مذهبی و جنسیتی را رد می‌کند. بر همین اساس جنبش‌های الهام‌گرفته از دین، در سراسر جهان تحول ایجاد کرده که درک تأثیر دین در گفتمان حقوق بشر را ضروری می‌سازد (رحمان^۱، ۲۰۲۱: ۳۷). ماهیت وجودی قرآن کریم بر برابری حقوق زنان در همه عرصه‌ها تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل، ۵۸). شریعت اسلام اولین مکتبی بود که زن و مرد را با حقوق و تکالیف و عبادات و ارث یکسان

1 Akhmetova

2 Rahman

دانست و هر یک از آن‌ها به سزای خطا و پاداش نیکی خود می‌رسند و حق تعالی فرمود: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء، ۱۲۴) «و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند؛ و کم‌ترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد» (البزار، ۱۹۸۵: ۶۷). چنین حقوقی وقتی از طرف خداوند به زنان اهدا شده، زنان با پشتوانه این حقوق می‌توانند در فرآیند جامعه‌سازی نقش‌آفرینی کنند. قرآن حقوق سیاسی زنان را تضمین می‌کند و از زنان قدرتمندی یاد می‌کند که حق ابراز عقاید خود را داشته‌اند و حضرت محمد (ص) در تصمیم‌گیری به عقاید زنان توجه داشته است (احمد و احمد، ۲۰۲۲: ۲۵). همچنین مشارکت زنان صحابه صدر اسلام در جامعه‌سازی اسلامی مصداقی برای عدم تبعیض و رویکردهای زن‌ستیزانه قبل از اسلام بوده است (مأمون و مالکی^۱، ۲۰۲۳: ۱). فرآیند جامعه‌سازی زنان در اسلام به میزان بهرمندی آنان حقوق آنان مرتبط بوده است. زنانی که حق مشارکت سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی دارند؛ عموماً قدرت بالایی در جامعه‌سازی تمدنی دارند (البزار، ۱۹۸۵: ۶۹). بر همین اساس حقوقی که اسلام به زنان داده است، در عوض آن زنان جامعه‌سازی تمدنی را برای اسلام به ارمغان آورده‌اند.

۱- حقوق سیاسی زنان و جامعه‌سازی تمدنی

از آنجایی که زنان به‌ویژه زنان مسلمان از دست جامعه و برخی اقدامات فرهنگی رنج برده‌اند، این تصورات نادرست که زنان نمی‌توانند رأی دهند یا نمی‌توانند نقشی در جامعه‌سازی داشته باشند، رشد جامعه را با مشکل مواجه کرده و زنان را در استیفای حقوق سیاسی خود محروم کرده است. این در حالی است که اسلام ۱۴۰۰ سال پیش حقوق سیاسی زنان را تضمین کرده است و به آن توجه جدی داشته است (یوسف و همکاران، ۲۰۱۴: ۱). احقاق حقوق سیاسی زنان به معنای حضور آنان در تغییر موازنه قدرت به نفع اسلام است و این یکی از مؤلفه‌های مهم در تکامل‌گرایی اجتماعی جامعه قلمداد می‌شود (یاسری و اخوان‌نیلچی، ۱۳۹۷: ۱۳۸) و حق سیاسی که همان مداخله در تشکیلات و حکومت است، به زبان اسلام به نام بیعت گفته شده است و برای تشرّف به

1 Ma'mun & Maliki

دین اسلام، فرقی بین مرد و زن نبوده و هر دو موظف به بیعت کردن بودند، ولی در طریق بیعت فرقی بوده است.

در برخی از کشورهایی اسلامی زنان پیوسته در محافل سیاسی-اجتماعی خود قربانی شده و با توجیحات مذهبی از حقوق خود محروم شده‌اند. علمای اسلامی از همان ابتدا مدافع حضور و مشارکت زنان در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و این جهت‌گیری‌ها پیامدهای گسترده‌ای برای نقش زنان در جامعه‌سازی تمدنی داشته است. در اسلام حقوق سیاسی زنان برگرفته از قرآن و سنت بوده و تبیین بیشتر آن از عملکرد شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام مشهود است. زنان می‌توانند مشارکت سیاسی داشته باشند و به عنوان قاضی منصوب شوند و حتی می‌توانند نقشی حیاتی در تأثیرگذاری بر تصمیمات قانونی داخل دادگاه‌ها داشته باشند. در اغلب کشورها زنان به شرط رعایت حدود اسلام می‌توانند نقش مؤثر خود را در ارکان مختلف کشور و جامعه‌سازی ایفا کنند (عزیز و اقبال، ۲۰۲۰: ۴۸). بنابراین حقوقی که اسلام به زنان عطا کرد در مصادیقی مانند: بیعت زنان، هجرت زنان، جهاد زنان و شرکت زنان در مباحله به خوبی مشخص شده است.

بیعت زنان: اساس رسالت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام جامعه‌سازی تمدنی بوده است. در این مسیر او به بیعت و همراهی افراد جامعه نیاز داشته است. بیعت، اساس جامعه‌سیاسی اسلامی و وسیله‌ای برای اعلام التزام جامعه به شریعت است. تاریخ صدر اسلام نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. در نخستین بیعت در زمان رسول خدا که بیعت عقبه‌اولی نام داشت، زنانی با پیامبر بیعت کردند که از نخستین حقوق انسانی خود محروم بودند، سال بعد، ۷۳ تن از مسلمانان از یثرب به مکه آمدند و آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر (ص) به ایشان اعلام کرده و با پیامبر (ص) بیعت جدیدی بستند که به عقبه‌ثانی مشهور است. بنا بر متون تاریخی، در این بیعت دوم نیز چند زن حضور داشتند (آیتی، ۱۳۷۶: ۱۹۸)، بیعت زنان با پیامبر در جریان صلح حدیبیه نیز تکرار شد، در این بیعت که به بیعت رضوان مشهور است، تعدادی از زنان شرکت داشتند و در این بیعت با پیامبر (ص) پیمان بستند که تا پای جان از ایشان دفاع کنند. بیعت دیگری که در زمان پیامبر (ص) انجام شد که پس از فتح مکه بود. در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان وجود نداشت (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۸). گسترده‌گی حضور زنان در این بیعت به حدی بود که آیه ۱۲ سوره ممتحنه در این زمینه نازل شد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيَعْنَكَ عَلِيَّ أَنْ

لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنُونَ وَلَا يَقْتُلُونَ أَوْلَادَهُمْ وَلَا يَأْتِينَ بَهْتَانًا يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَلَا يَرْجُلُهُنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یعنی: ای پیامبر، هرگاه زنان مؤمن نزد تو آیند که با تو بیعت کنند تا چیزی را با خدا شریک ندانند و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و دروغی را که در دست و بال خود ساخته و پرداخته باشند، پیش نیاورند و در هیچ کار پسندیده‌ای نافرمانی نکنند، پس تو با آنها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزنده و مهربان است) امروزه این بیعت به شکل حق رای برای زنان نمود پیدا کرده و زنان با بیعت با حاکم اسلامی در جامعه‌سازی نقش آفرینی می‌کنند.

هجرت زنان: بزرگترین هجرت تاریخی در اسلام که مبنای تاریخ اسلام است، هجرت به منظور جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام است. هجرت؛ حرکتی اجتماعی - سیاسی است که در صدر اسلام دو بار اتفاق افتاد (هجرت به حبشه و هجرت به مدینه) که در هر دو هجرت زنان مسلمان شرکت داشتند. در هجرت به مدینه نیز تاریخ شاهد حضور گسترده زنانی است که تمام اموال و دارایی خود را بی‌آنکه بدانند آیا بار دیگر به آنان بازگردانده می‌شود، در مکه بر جای گذاشتند و راه خود را در بیابانی خشک و سوزان آغاز کردند. از جمله این افراد: فاطمه بنت‌اسد مادر حضرت علی (ع)، بنت ابی‌بکر همسر زبیر، ام‌هشام انصاریه، ام‌کلثوم بنت‌عقبه نیز یکی دیگر از زنان مهاجر است که آیه ۱۰ سوره ممتحنه درباره هجرت او نازل شده است (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۶۱). بنابراین در هجرت‌هایی که به منظور جامعه‌سازی تمدنی صورت گرفته است، زنان مشارکت فعالی داشته‌اند.

جهاد زنان: یکی از جلوه‌های بارز مشارکت اجتماعی زنان در عرصه سیاست، حق حضور آنان در میدانی جنگ بوده است. زنان شرکت‌کننده در میدان جنگ، گاه علاوه بر آب‌رسانی، پرستاری از مجروحان و مداوای آنها، تهیه غذا برای رزمندگان و انتقال اجساد مطهر شهدا به نزد خانواده‌هایشان، به نبرد مسلحانه نیز می‌پرداختند و این خود نشان می‌دهد که پیامبر برای شرکت زنان در جامعه‌سازی و حق مشارکت آنها در جنگ‌ها محدودیتی قائل نبود و آنها را جزو مدافعان اسلام دانسته و از وجودشان در صورت ضرورت و لزوم استفاده می‌کرد (حجتی، ۱۳۸۰: ۲۳۳)، همچنین زنان مبارز صدر اسلام در زمینه طبخ غذا، حمل شهدا به مدینه و مداوای مجروحان

کمک‌رسانی می‌کردند و گاه مستقیم در جنگ‌ها شرکت می‌کردند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۵۳۹).
جهاد زنان حق مهمی برای مشارکت در جامعه‌سازی تمدنی در صدر اسلام بوده است.

شرکت زنان در مباحله: مباحله که یک رفتار مذهبی اجتماعی است و قرآن کریم در ارتباط با مسیحیان نجران آن را باز گفته، مشارکت زنان و مردان به‌خوبی دیده می‌شود: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَبَنَاتَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل‌عمران، ۶۱) (یعنی: پس هر که در این باره) پس از دانشی که تو را (حاصل) آمده با تو محاجّه کند، بگو: بیاید پسرانمان و پسرانتان، زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم). بنابراین آیات قرآنی حمایت‌کننده از حق زنان در امور سیاسی آیات مباحله هستند. این آیات ثابت می‌کنند که زنان نیز حق شرکت در امور سیاسی و عمومی را دارند و می‌توانند مانند مردان مشارکت‌کننده به آن‌ها اعتماد کرد.

۲- حقوق اجتماعی زنان و جامعه‌سازی تمدنی

حقوق اجتماعی که اسلام به زنان داد، آن‌ها را در انجام فعالیت‌های اجتماعی تشویق کرد. در مراحل اولیه اسلام، زنان نقش اساسی در تعلیم و تربیت داشتند و به تولید برخی از بهترین دانشمندان اسلام کمک کردند. به عنوان مثال، همسران گرامی پیامبر (ص) در رشد، تکامل و درک اسلام نقش اساسی داشتند. آن‌ها اطلاعات زیادی در مورد حضرت محمد (ص) منتقل کردند که این اطلاعات هنوز هم مرجع اصلی اسلام در امور مربوط به نقش زنان به حساب می‌آید. علاوه بر این، خود پیامبر زنان خود را به دنیای سیاست نیز معرفی کرد و عمره بنت‌عبدالرحمن با داشتن برتری‌های علمی در حدیث بعدها به یک قاضی مهم تبدیل شد (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۵). همچنین زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی دارند و ضرورت ایجاد جامعه سالم در گرو مشارکت اجتماعی زنان است. در صدر اسلام حقوق اجتماعی زنان نقش مهم و بی‌بدیلی در تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. در سراسر تاریخ اسلامی، زنان در عرصه‌های هنری و فرهنگی نیز به عنوان حامیان جامعه‌سازی فعال بودند و از طریق مشارکت خود در ساخت جامعه و خانواده، به عنوان مادر، همسر یا دختر حاکم یا سلطان از

موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند و امروزه آثار تمدنی بالایی از آن‌ها به یادگار مانده است (الشرباقی، ۲۰۲۰: ۲). مصادیق حقوق اجتماعی زنان در جامعه‌سازی تمدنی دو بعد فرزندپروری و تربیت نسل بوده است.

فرزندپروری: در جوامع اسلامی، زن به عنوان عنصری ضروری برای تمامیت یک خانواده یا جامعه تلقی می‌شود و وظایف متعددی برای زنان وجود دارد، اما نقش مادری و فرزندپروری یکی از مهم‌ترین آن‌هاست و در کمک به رشد کودکان و تبدیل شدن به اعضای کارآمد و مفید جامعه، مادران به عنوان الگو در نظر گرفته می‌شوند. تأثیرگذاری زن بر جامعه و تحقق جامعه اسلامی از مهم‌ترین مسایل تمدن اسلامی است. چرا که در طول تاریخ زنان عناصری مؤثر در تغییر ارزش‌ها باورها و رفتارهای جامعه دانسته شده‌اند. زنان به واسطه جایگاه تربیتی، محور کلیدی خانواده بوده و خانواده به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات آن نهاد فعال جامعه‌ساز تلقی می‌شود؛ بنابراین زن در خانواده نقش بی بدیلی در انتقال تکامل‌گرایی به افراد خانواده و با واسطه به جامعه ایفا می‌کند (محمودی‌نسب و نیکوخصال، ۱۴۰۱: ۱۶۸) و مردم از همه اقشار جامعه بر اهمیت نقش زنان در رفاه اجتماعی، انضباط اجتماعی، سیاست، ثبات اقتصادی و سایر زمینه‌ها تأکید دارند. زنان در جامعه‌سازی نقش محوری دارند و هر گونه رابطه بین زنان باید مقدس اعلام شود. این تمایز بسیار مشکل است، اما قداست در آن نهفته است و زنان مبنای جامعه‌سازی اسلامی هستند (احمد و احمد، ۲۰۲۲: ۲۵). در روایات اسلامی به مسئله ضرورت و اهمیت فرزندپروری اشاره شده است و برکات و اثرات فراوانی برای آن ذکر شده است. در روایات فرزندپروری را برای والدین و خانواده یک حُسن در نظر می‌گیرند. نخستین روایت در میزان الحکمه (۱۴/ ۷۰۷۸) فرزندان را میوه‌های زندگی انسان بیان می‌کند.

تربیت نسل: در روایت تأکید شده که چه بسا پدران و مادرانی که به واسطه فرزندان خود اهل بهشت می‌شوند. این روایات و آیات، مجموعاً ما را به ضرورت اصلی نسل‌آوری و تربیت نسل هدایت می‌کنند. آیه ۳۸ سوره آل عمران از تربیت نسل پاکی صحبت می‌کند که توسط زنان مسلمان تحویل جامعه می‌شوند. به طور کلی در طول تاریخ زنان عناصری مؤثر در تغییر ارزش‌ها، باورها و رفتارهای جامعه دانسته شده و می‌شوند. زن به واسطه حق تربیتی‌اش در تربیت نسل، محور کلیدی خانواده است و خانواده به عنوان مهم‌ترین عنصر نظام اجتماعی و هسته بنیادین تحولات

آن، نهاد فعال جامعه‌ساز تلقی می‌شود؛ بنابراین زن در خانواده نقش بی‌بدیلی در انتقال تکامل‌گرایی به افراد خانواده از طریق تربیت نسل و با واسطه به جامعه ایفا می‌نماید (یاسری و اخوان‌نیلچی، ۱۳۹۷: ۱۳۳) و زنان در طول تمدن اسلامی که میراث‌دار آن هستند، در اقدامات تمدنی بزرگی مشارکت داشته‌اند و امروزه نمی‌توان نقش آنها را در جامعه‌سازی و انتقال و نگهداشت تمدن اسلامی نادیده گرفت.

۳- حقوق اقتصادی زنان و جامعه‌سازی تمدنی

یکی از مهم‌ترین حقوقی که اسلام به زنان داد، حق فعالیت اقتصادی و کار و تلاش بوده است. زنان در طول تاریخ، علاوه بر انجام کارهای خانه، همیشه همگام با مردان به فعالیت‌هایی مثل کشاورزی و دامداری اشتغال داشته و از این طریق، بخشی از هزینه خانواده را بر دوش کشیده و به اقتصاد خانواده کمک می‌کرده‌اند. در قرآن واژه کار برای انسان حدود ۶۷ بار استفاده شده است و در آیه ۳۲ سوره نساء بر اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی برای زنان به آن استناد شده است. مصادیق حقوق اقتصادی زنان در جامعه‌سازی تمدنی در دو بعد حق مالکیت و حق کار و تجارت نشان داده شده است.

حق مالکیت: اسلام به عنوان اولین دین به حق مالکیت زنان احترام گذاشته و همواره حق مالکیت را برای آنان محترم شمرده است. از نظر اقتصادی، اسلام حکم می‌کند که زنان از حق مالکیت مستقل برخوردار باشند. در این دوره حقی به زنان اعطا شد که در بسیاری از جوامع دیگر تا اوایل قرن بیستم از آنها محروم بودند. بنابراین، حق زن بر پول و سایر اموال خود، اعم از متأهل یا مجرد، کاملاً مورد تأیید شریعت اسلام بوده است. زنان در زمان ازدواج، حق خرید، فروش، رهن یا اجاره املاک خود را بدون اجازه شوهر خود حفظ می‌کنند. همچنین در اسلام هیچ حکمی مبنی بر منع زنان از کاربایی و اشتغال وجود ندارد، هر چند نقش او به عنوان مادر و همسر مقدس و ضروری است (اوکان^۱، ۲۰۱۳: ۲۲).

حق کار و تجارت: در اوایل اسلام، خدیجه بنت خویلد به عنوان یک زن موفق در اداره تجارت مورد توجه بود. خدمات مالی خدیجه به عنوان یک زن ثروتمند به جهان اسلام غیر قابل انکار است. پیامبر اسلام (ص) نیز به او بشارت بهشت داده بود و او مصداق آیه ۲۶۲ بقره است که

1 Okon

می‌فرماید: آنان دارایی‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند. آنگاه از پی آنچه انفاق نموده‌اند، نه منتی می‌گذارند و نه آزاری می‌رسانند (اینان) پاداش‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است (بقره، ۲۶۲). علاوه بر ایشان زینب از دیگر همسران پیامبر (ص) به عنوان سخاوتمندترین زن فعال در دباغی پوست یاد می‌شود که همه درآمد و عواید فعالیت اقتصادی خود را صرف امور خیریه می‌کرد (مستعید، ۲۰۲۳: ۲۱). در دوران حیات پیامبر نیز که تمدن اسلامی در حال شکوفایی بود، زنان به مقام والایی دست یافتند و پست‌های مهم اداری را به دست آوردند. آزادی زنان در تجارب در دوران اولیه اسلام مرسوم بود و زنان زیادی مشغول تجارت بودند. پیامبر در این دوران زنی را با نام سمره را به سمت محتسب (بازرس بازار) منصوب کرد که در آن سمت، فعالیت تجاری را تنظیم می‌کرد و از منافع عمومی محافظت می‌کرد. او نه تنها در زمان حکومت دو خلیفه اول این سمت را حفظ کرد، بلکه در زمان خلیفه دوم، زن دیگری به نام شفاء (لیله) بنتی عبدالله نیز به همان سمت منصوب شد. این چند نمونه به خوبی نشان می‌دهد که چگونه زنان در دوران اولیه اسلامی در عرصه‌های عمومی و اقتصادی حضور فعال داشتند. بنابراین در آن دوران، انتصاب در پست‌های تاثیرگذار بر اساس صلاحیت‌ها و مهارت‌های مناسب بود و جنسیت نقشی در این انتصابات نداشت (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۵). همچنین زنان فراوانی در صدر اسلام در زمان پیامبر گرامی (ص) و ائمه اطهار (ع) به فعالیت‌های اقتصادی اشتغال داشتند و ائمه اطهار (ع) نه تنها آنان را از کار و تلاش نهی نمی‌کردند، بلکه در برخی موارد، لحن سخن یا طرز برخورد پیامبر یا امام با زنان شاغل به گونه‌ای بود که تشویق به ادامه کار نیز از آن استفاده می‌شود. مشاغلی مانند بافندگی، کشاورزی و دامداری، تجارت و فروشندگی از مشاغلی بودند که زنان در صدر اسلام به آن اشتغال داشتند. اشتغال زنان به حرفه‌هایی که از نظر اسلام حلال شمرده شده، نه تنها مجاز بوده؛ بلکه مطلوب بوده است (طاهری‌نیا، ۱۳۸۳: ۳). به طور کلی از آیات و شواهد روایی یاد شده می‌توان استنباط کرد که اسلام نسبت به اشتغال زنان دید منفی ندارد و کار و تلاش اقتصادی (تجارت) را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است.

۴- حق تحصیل و پیشرفت علمی زنان و جامعه‌سازی تمدنی

از بدو تأسیس تمدن اسلامی زنان نقش غیرقابل انکاری داشته‌اند. زنان مسلمان در حوزه علم دانش به عنوان شتابدهنده تمدن اسلامی حضوری پررنگ داشته و کمک‌های آن‌ها به علم، دانش و رفاه در تمدن اسلامی در بسیاری از پژوهش‌ها منعکس شده است. در دوران اولیه اسلام، به زنان در حوزه‌های رهبری، آموزش و علم، مناصب مهمی و مسئولیت بالایی داده می‌شد. اما، این توانایی زنان در اوایل اسلام ارتباط چندانی با شرایط زنان در جوامع مسلمان امروزی ندارد و زنان اغلب کشورهای مسلمان‌نشین وضعیتی به مراتب بدتر از دوران اولیه اسلام دارند. بر همین اساس در تبیین وضعیت نابرابر زنان در برخی جوامع ارتباط مستقیمی بین فقدان حکمرانی خوب و نابرابری وجود دارد (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۱).

از آنجایی که اسلام توسعه علمی را هم برای بهبود زندگی انسان و هم برای دستیابی به پایداری تشویق می‌کند. بنابراین، حق تحصیل به زنان به عنوان فرصتی برای جامعه‌سازی تمدنی عمل می‌کند. سوابق تاریخی نشان داده که اسلام از قرن هفتم به زنان حقوقی داده که از طریق آن در توسعه تمدن اسلامی نقش داشته باشند (فتونی، ۲۰۲۰: ۲).

بر اساس جهان‌بینی اسلام، علم در چارچوب دینی و اخلاقی عمل می‌کند و مسلمانان در چنین جهان‌بینی باید برانگیخته شوند؛ تا در زمینه‌های مختلف علم و دانش سرآمد شوند. بنابراین برتری انسان بر سایر موجودات به واسطه علم و تعقل انسان بوده و خداوند در قرآن انسان خلیفه خودش در زمین معرفی می‌کند (گیدا^۱، ۲۰۱۶: ۱۹۸). هزار سال پیش، جهان اسلام کمک‌های قابل توجهی به علم کرد. مسلمانان روش‌های جدید آزمایش، مشاهده و اندازه‌گیری را معرفی کردند. برای مثال خوارزمی در جبر و الگوریتم، ابن هیثم در قوانین انعکاس و شکست نور، ابن سینا در قانون طب و بسیاری از مسلمانان دیگر برای صدها سال پیشگام حوزه‌های علمی بودند و تا قرن دوازدهم میلادی تمام حوزه‌های علمی در درجه اول مدیون مسلمانان بود و زنان مسلمان نیز در این دوران نقش سازنده‌ای در پرورش و تربیت این دانشمندان داشتند (حسن^۲، ۲۰۰۰: ۵۵). حق تحصیل و

1 Fathoni
2 Gaida
3 Hassan

پیشرفت علمی زنان در اسلام در در چهار حوزه اصلی؛ علوم طبیعی، علوم قرآنی، پزشکی و معماری نمود پیدا کرده است.

علوم طبیعی: در حوزه علوم نگاه قرآن به مفهوم دانش نگاه عمیقی است و در سراسر قرآن بر اهمیت دانش بیشترین تأکید را دارد. این نگرش به تمدن اسلامی کمک کرد تا نزدیک به ۶۰۰ سال بر جهان علم تسلط یابد (اقبال^۱، ۲۰۱۸: ۵۹). تاریخ اسلام در اوایل مملو از زنان مسلمانی بود که مهارت‌های زیادی در علوم از خود نشان می‌دادند و می‌توانستند با مردان رقابت کنند و در هر فرصتی سعی در برتری بر آنان داشته باشند (تاکوناس^۲، ۲۰۱۸: ۳۱). به همین ترتیب، در مدارس علمی و موسسات آموزشی اسلامی در قرن هشتم هجری قمری زنان زیادی مجوز تأسیس داشتند. مجتمع بزرگ مسجد جامع القراوین در فاس، که شاید قدیمی‌ترین دانشگاه در جهان است، در ابتدا در سال ۸۴۱ ه.ق توسط فاطمه الفیهری تأسیس شد. فاطمه، یک بانوی جوان مؤمن، وارسته و تحصیلکرده اهل تونس، مبلغ هنگفتی از پول ارثیه پدری را صرف افتتاح مرکز آموزشی بزرگی کرد و تمام ارث خود را صرف تبدیل القراوین به مرکز بزرگ تعلیمات دینی و بحث‌های سیاسی کرد. همچنین او به تدریج برنامه‌داری خود را به همه موضوعات، به ویژه علوم طبیعی گسترش داد و نام القراوین را به عنوان یکی از اولین دانشگاه‌های جهان به ثبت رساند. القراوین در اوج خود به ابزارهای نجومی مجهز بود، «اتاق تایمر» آن دارای اسطرلاب، ساعت‌های شنی و دیگر ابزار برای محاسبه زمان بود (الحسنی^۳، ۲۰۰۷: ۲۳). این دانشگاه با توجه به تنوع موضوعات و تدریس با کیفیت آن، دانشمندان و دانشجویان را از راه دور جذب می‌کرد و به طور گسترده‌ای به شکوفایی تمدن اسلامی کمک شایانی کرد.

علوم قرآنی: بدون شک زنان صدر اسلام در حفظ حدیث کمک‌های شایان توجهی کردند و بسیاری از اولین و مهم‌ترین گردآورندگان حدیث، معلمان زن داشتند که آن‌ها را به عنوان مراجع مستقیم به شمار می‌آوردند. به عنوان مثال، امام شافعی، علم‌الحديث را در مصر نزد سیده نفیسه بنت‌الحسن، از دانشمندان برجسته آن زمان، آموخت. علاوه بر این در مدارس دینی صدر اسلام زنان زیادی به تعلیم علوم قرآنی اشتغال داشتند (الحسنی، ۲۰۰۷: ۲۲). علوم اسلامی از زنان دانشمند زیادی بهره برده است و زنان پیامبر نیز تبحر بالایی در حفظ و نشر احادیث نبوی داشتند.

1 Iqbal

2 Takunas

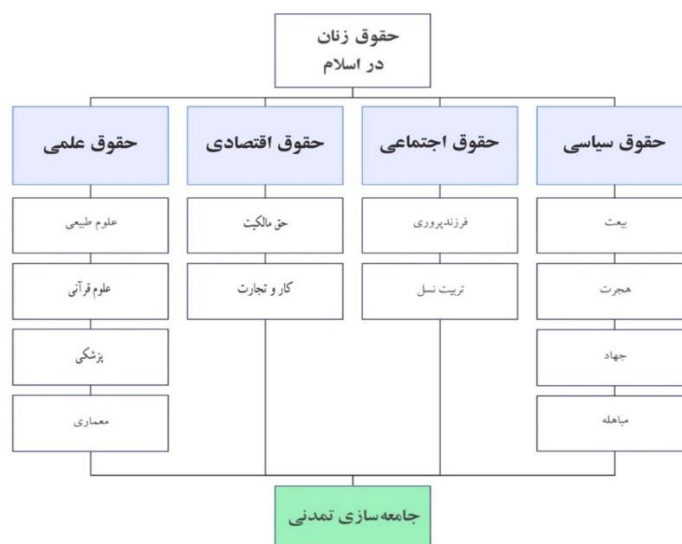
3 Al-Hassani

پزشکی: زنان در طول تاریخ اسلام به طور منظم در فعالیتهای پزشکی شرکت داشته‌اند. با شروع از زمان پیامبر (ص)، نمونه‌های بسیاری از زنان مسلمان ظاهر می‌شود که سهم قابل توجهی در مراقبت‌های بهداشتی عمومی داشته‌اند. برای مثال، در مجموعه‌های زندگی‌نامه اسلامی (کتاب‌های سیره) از نوزده زن به‌عنوان شرکت‌کننده در جنگ‌های زمان پیامبر (ص)، بیشتر به‌عنوان آبرسان و پرستار معالج بیماران و مجروحان نام برده شده است (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۷). برای مثال رفیده بنت‌سعد از قبایل خزرج در مدینه یکی از زنان موفق در عرصه پزشکی است. او که در زمان حضرت محمد (ص) زندگی می‌کرد، از اولین مردم مدینه بود که اسلام را پذیرفت. رفیده آموزش و دانش پزشکی خود را نزد پدرش سعدالاسلامی که پزشک بود، دریافت کرد. خیلی زود، او به یک پرستار حرفه‌ای تبدیل شد و قادر بود به تنهایی بیماران و مجروحان را درمان کند. در زمان صلح، رفیده بیماران را در چادری که بیرون مسجدالنبی برپا شده بود، معالجه می‌کرد. با این حال، در زمان جنگ، او گروه‌هایی از پرستاران داوطلب را به میدان‌های جنگ هدایت می‌کرد و در آنجا به درمان مجروحان می‌پرداخت. او به همراه تیمش در جنگ‌های صدر اسلام شرکت کرد و پیامبر (ص) افراد خود را راهنمایی می‌کرد که هر گونه تلفات را به خیمه رفیده ببرند (کاسوله^۱، ۲۰۰۴: ۱). اما رفیده پرستاری خود را فقط به موقعیت‌های بالینی و میدان جنگ محدود نکرد و به جامعه رفت و در آنجا سعی کرد مشکلات اجتماعی را که منجر به بیماری می‌شد، حل کند. در این زمینه، او را می‌توان هم یک پرستار بهداشت عمومی و هم یک مددکار اجتماعی در نظر گرفت.

معماری: علاوه بر این، اهمیتی که اسلام برای دانش قائل بود به مسلمانان این حق را می‌داد که بدون توجه به جنسیت یا طبقه اجتماعی، در مواردی مانند آموزش عمومی اولیه پیشگام شوند. برای مثال، در سراسر دوران اولیه اسلامی، مساجد معمولاً آموزش ابتدایی را هم برای پسران و هم برای دختران ارائه می‌دادند و زنان این حق را یافتند که آموزش بدهند و آموزش ببینند. غالباً مساجد نیز مدارس راهنمایی (قطاب) در کنار خود ساخته بودند. در مراکز مختلف اسلامی نیز مؤسسات آموزش عالی به همراه امکاناتی مانند بیمارستان‌ها و رصدخانه‌ها تأسیس شد که دانشجویان می‌توانستند دانش نظری را که از کتاب به دست می‌آوردند، در آنجا تمرین کنند.

1 Kasule

همراه با مؤسسات آموزش عالی مانند القراوین در فاس، زیتونه در تونس و الازهر در قاهره، بسیاری از مراکز آموزشی از این نوع در شهرهای اندلس، از جمله در کوردووا، سویا، مالاگا و گرانا تاسیس شدند. این‌ها با هم، الگویی برای اولین دانشگاه‌های اروپایی، هم از نظر ساختار و هم از نظر برنامه‌درسی، ارائه کردند (آخمتوا، ۲۰۱۶: ۳). به طور کلی تحلیل آثار علمی دوره اولیه اسلام امکان کشف نمونه‌های متعددی از فعالیت فعال زنان مسلمان در حوزه‌های مختلف دانش علمی را فراهم کرده است. بسیاری از باورهای رایج فعلی، مبنی بر اینکه زنان مسلمان به دلیل محدودیت‌های مذهبی از امکان رشد خلاق علمی محروم بوده‌اند، به محققان اجازه نمی‌داد تا به طور کامل و عینی فرآیندهای تاریخی مشارکت زنان مسلمان در تولید علم مطالعه و ارزیابی کنند (احمدشینا^۱ ۲۰۲۳: ۱۸). از این رو فقدان یا کمبود منابع علمی در مورد حقوق علمی زنان در حوزه‌های مختلف دانشی دلیلی بر عدم مشارکت زنان مسلمان در حوزه‌های علمی نیست. در فرآیند تمام پیشرفت‌های علمی مسلمانان در قرون متمادی زنان حضور فعالی داشته‌اند و زنان زیادی در مراکز دانشی در قرن‌های متمادی استخدام شده بودند. به طور کلی فرآیند جامعه‌سازی تمدنی در جهان اسلام بر اساس احقاق حقوق زنان در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱. فرآیند جامعه‌سازی تمدنی در جهان اسلام بر اساس احقاق حقوق زنان

1 Akhmedshina

نتیجه گیری و پیشنهادها

حقوق زنان در تمدن اسلامی بسته به تفسیرها و تأویلات مختلف می تواند متنوع باشد. اسلام به زنان حقوق و وظایف خاصی اختصاص داده است، اما برخی تفسیرها و عملکردهای فرهنگی و سنتی ممکن است منجر به تحکیم تفاوت های جنسیتی و تبعیض علیه زنان شود. در تمدن اسلامی، زنان حقوق اساسی مشابه مردان دارند، اما در برخی زمینه ها ممکن است محدودیت هایی وجود داشته باشد. با آمدن اسلام مسأله حقارت زنان به حاشیه رفت و زنان در جامعه اسلامی و در چارچوب نظم اجتماعی متحول جایگاه والایی یافتند و بیش از گذشته آن ها به حقوق خود دست یافتند. با ظهور اسلام، جایگاه زن به میزان قابل توجهی ارتقاء یافت. اسلام در مسائل حقوقی و مذهبی بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست. زن و مرد هر دو نقش های متفاوتی را در جامعه ایفا می کنند که از نظر فیزیکی مناسب آن ها است. در جامعه اسلامی، زنان نقش بسزایی در تربیت فرزندان خود به عنوان مسلمانان مؤمن داشته اند و سهم آن ها در جامعه سازی تمدنی غیرقابل انکار است. دامنه مشارکت آن ها با ورود اسلام به جوامع گسترش یافت و آن ها در حفظ شریعت و شرکت در جنگ، نیز نقش اساسی داشتند. زنان ثابت کرده اند که معلمان استثنایی شریعت و مروجان تمدن سازی و جامعه سازی تمدنی هستند. سهم زنان در تمدن اسلامی به این دلیل است که اسلام به آن ها آزادی می دهد تا در جامعه مشارکت فعال داشته باشند، اعمال قدرت کرده و در جامعه سازی نقش ایفا کنند. لازم به ذکر است که در اسلام، توجه به عدالت و برابری جنسیتی مهم است. قرآن و روایات اسلامی حقوق زنان را تأیید می کنند و به زنان اجازه می دهند در زمینه های مختلف مشارکت کنند و حقوق خود را داشته باشند. حقوق زنان در تمدن اسلامی در طول تاریخ و تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیاری قرار گرفته است. این بررسی نشان می دهد که تمدن اسلامی در طول تاریخ توجه ویژه ای به حقوق زنان داشته است. با این حال، محدودیت هایی نیز وجود داشته که باید رفع گردند.

در بسیاری از جوامع اسلامی که زنان در مسایل اجتماعی جایگاه نازلتری را تجربه کرده اند، این رویکرد نهادینه شده که روابط بین مردان و زنان ناشی از اعتقادات دینی شکل گرفته؛ این در حالی که زمینه های فرهنگی این جوامع در گذشته به شدت مردسالارانه و تبعیض آمیز بوده اند که با

ورود اسلام به این جوامع، زنان شاهد پیشرفت‌های زیادی در دستیابی به حقوق انسانی برابر بوده‌اند. از این رو تعبیر نادرست اسلامی برای مفاهیمی مانند حقوق اسلامی نوعی جعل تاریخی است که توجه‌ها از فرهنگ قبل اسلام به بعد ورود اسلام متمرکز کرده است. بنابراین محرومیت زنان برخی جوامع دیگر نه تنها به دلیل مبانی فقهی و دینی نیست؛ بلکه این محدودیت‌ها ریشه در تفکرات فرهنگی آن جوامع در دوران قبل اسلام آن‌ها داشته است و تجارب برخی کشورها نشان داده است که ارزش‌های اسلامی در برخی جوامع بستری برای ارتقای وضعیت برابری زنان بوده است. بر خلاف جوامع پیش از اسلام، زنان نیز به دلیل وجود دین اسلام به تعدادی از حقوق و حمایت‌ها دسترسی پیدا کردند. اسلام به زنان امتیازات متعددی اعطا کرده است. در اسلام به ضرورت علم‌جویی و حق تحصیل بارها اشاره شده است. همچنین زنان در اسلام حق مالکیت، کنترل و مدیریت دارایی و دارایی خود را دارند. زنان در انتخاب نوع کار و حتی در انتخاب شوهر خود آزادی دارند و مشارکت فعالی در امور سیاسی و اجتماعی جامعه دارند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- احمدی بیغش، خدیجه. (۱۴۰۰). فعالیت‌های بانوان شیعه قرن چهارم هجری در تثبیت و تعمیق علوم و فرهنگ تمدن اسلامی. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۲(۴)، ۱۲۲-۱۴۰.
- بابایی، حبیب‌الله؛ خاتمی‌نیا، فضا. (۱۴۰۲). «ترجمه‌های نشده» در تمدن اسلامی نمونه «زنان تحول‌ساز». مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۱(۱): ۱۱-۴۱.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جلالی، محمود. (۱۳۸۳). حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶.
- شکرپیگی، نرگس؛ چهری، مجید؛ کریمی‌نیا، پریسا. (۱۴۰۱). مراحل جامعه سازی از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر آیه ۲۹ سوره فتح. آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ۸(۱)، ۱۷۷-۱۹۶.
- doi: 10.22034/iued.2023.547668.2206
- شیخ صدوق. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۳، ح ۴۵۳۸.
- طاهری‌نیا، احمد. (۱۳۸۳). فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن، نشریه معرفت، ۱(۸۳): ۱-۱۲.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه. (۱۳۸۸). حقوق زنان از منظر اندیشه اسلامی و حقوق داخلی، همایش ملی حقوق زنان، تهران.
- محمودی‌نسب، معصومه؛ نیکوخصال، معصومه. (۱۴۰۱). نقش بانوان در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر قرآن کریم و منویات مقام معظم رهبری. دو فصلنامه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، ۴(۸)، ۱۶۷-۱۹۳.
- مشایخی‌پور، محمدعلی. (۱۴۰۱). بررسی چستی جهاد کبیر و نقش آن در تمدن‌سازی اسلامی. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۲(۴): ۲۲۸-۲۰۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، نظام حقوق زن در اسلام. قم: آل طه.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۴). فمینیسم اسلامی، ترجمه: مصطفی شهرآیینی، نشریه یاد، شماره ۷۵.
- هاشمی، سیدحسین. (۱۳۸۰). مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶ ویژه نامه زن در قرآن، ۱-۱۶.
- یاسری، زینب؛ اخوان‌نیلیچی، نفیسه. (۱۳۹۷). تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱(۲)، ۱۳۳-۱۵۲.
- doi: 10.22070/nic.2018.788
- الیزا، عبدالرحمن. (۱۹۵۸). مبادئ اصول القانون، ط ۱، دار الجنان للنشر و التوزیع، بغداد: العراق، ص ۶۹.

- Abukari, A. (2014). Education of women in Islam: A critical Islamic interpretation of the Quran. *Religious Education*, 109(1), 4-23.
- Ahmed, L., & Ahmed, A. (2022). Role of Women in developing the society: Islam and Modern world perspectives. *Al-Salihat (Journal of Women, Society, and Religion)*, 1(01), 24-33.
- Akhmedshina, F. (2023). The Role Of Muslim Women In The Development Of Science, Culture And Education In The Period Of Early Islam. *Science and innovation*, 2(C5), 17-24.
- Akhmetova, E. (2016). Women in Islamic civilisation: Their rights and contributions. *Islam and Civilisational Renewal*, 274(4127), 1-18.
- Al-Hassani, S. T. (2007). *1001 inventions: Muslim heritage in our world*. Foundation for Science Technology & Civilisation, FSTC.
- Arnez, M. (2010). Empowering women through Islam: Fatayat NU between tradition and change. *Journal of Islamic Studies*, 21(1), 59-88.
- Aziz, K., & Iqbal, A. (2020). The Political Rights of Women in the Light of Islamic Jurisprudence. *Rahat-ul-Quloob*, 47-51.
- Bishin, B. G., & Cherif, F. M. (2017). Women, property rights, and Islam. *Comparative Politics*, 49(4), 501-520.
- El-Ali, L. (2022). *No Truth Without Beauty: God, the Qur'an, and Women's Rights* (p. 306). Springer Nature.
- El-Shorbagy, A. M. (2020). Women in Islamic architecture: towards acknowledging their role in the development of Islamic civilization. *Cogent Arts & Humanities*, 7(1), 1-16.
- Fathoni, R. S. (2020). Domestikalisasi Perempuan dalam Gerakan Islam Transnasional di Indonesia 1998–2016 M. *Jurnal Wanita dan Keluarga*, 1(1), 1-6. <https://doi.org/10.22146/jwk.764>.
- Gaida, M. (2016). Muslim Women and Science: The Search for the “Missing” Actors. *Early Modern Women: An Interdisciplinary Journal*, 11(1), 197-206.
- Hassan, F. (2000). Islamic women in science. *Science*, 290(5489), 55-56.
- Hecker, E. A. (2023). *A Short History of Women's Rights*. Good Press.
- Iqbal, M. (2018). *Islam and science*. Routledge.
- Kamran, M., Cheema, A. M., Kailani, T., Ibrahim, M., & Nosheen, B. (2022). Socio-Economic Role of Women In Islamic Perspective: A Critical Review. *Webology*, 19(3), 3695- 3704.
- Kasule, O. H. (2004). Historical roots of the nursing profession in Islam. *Retrieved from the world wide web*, 14.
- Lone, S. A. (2023). Representation of Women in Pre and Post-Islamic Arabian Society: An Appraisal. *International Journal of Science and Research (IJSR)*, 12(5), 1552-1554.
- Maan, B., & McIntosh, A. (2000). The whole house of Islam, and we Christians with them. *An interview with āthe last Orientalistā the Rev. Prof. William Montgomery Watt*. Retrieved February, 21, 2004.
- Ma'mun, S., & Maliki, I. A. (2023). A Socio-Historical Study of Women's Rights Advocacy in Islamic Legal Construction. *JSEAHR*, 7, 1.
- Mayer, A. E. (2018). *Islam and human rights: Tradition and politics*. Routledge.

- Musta'id, A. (2023). The Position of Women in Islamic History. *Journal of Islamic History and Manuscript*, 2(1), 21-34.
- Okon, E. E. (2013). The status of woman in Islam. *IOSR Journal of Humanities and Sosial Science*, 10(2), 21-27.
- Orakzai, S. B. (2014). The rights of women in Islam: The question of 'public' and 'private' spheres for women's rights and empowerment in Muslim societies. *Journal of Human Rights in the Commonwealth*, 2(1). 1-20.
- Rahman, F. (2021). Status of Women in the Qur'an. In *Women and revolution in Iran* (pp. 37-54). Routledge.
- Takunas, R. (2018). Dinamika pendidikan perempuan dalam sejarah Islam. *Musawa: Journal for Gender Studies*, 10(1), 23-44.
- Yousuf, I., Sivarajan, S., & Shah, B. (2014). Political Rights of Women as Per Islam'A Study of Its Concept'. *Indian Streams Research Journal*, 4(8).
- Zikriati, Z., & Marhamah, M. (2022). Critical Review of Career Women In Islam. In *PROCEEDINGS: Dirundeng International Conference on Islamic Studies* (pp. 195-202).

